

[**فصل فی الستر و الساتر** 1](#_Toc511684836)

[**مسأله سوم** 1](#_Toc511684837)

[کیفیت ستر عورت در رجال 2](#_Toc511684838)

[***کیفیت ستر واجب در غیر نماز*** 2](#_Toc511684839)

[عدم وجوب ستر حجم 2](#_Toc511684840)

[وجوب ستر عین 3](#_Toc511684841)

[حکم ستر شبح عورت 3](#_Toc511684842)

[عدم وجوب ستر عجان 4](#_Toc511684843)

[***کیفیت ستر واجب در نماز*** 6](#_Toc511684844)

[نظر مرحوم خویی 6](#_Toc511684845)

[أدله مرحوم خویی 7](#_Toc511684846)

[روایت أول (صحیحه علی بن جعفر) 7](#_Toc511684847)

**موضوع**: مسأله سوم/کیفیت ستر واجب /فصل فی الستر و الساتر /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل مسأله دوم راجع به نگاه غیر مستقیم را بحث کردیم و به پایان رساندیم. در این جلسه وارد مسأله سوم می شویم.

**فصل فی الستر و الساتر**

**مسأله سوم**

لا يشترط في الستر الواجب في نفسه ساتر مخصوص و لا كيفية خاصة‌ بل المناط مجرد الستر و لو كان باليد و طلي الطين و نحوهما. و أما‌ الثاني أي الستر في حال الصلاة‌ فله كيفية خاصة و يشترط فيه ساتر خاص و يجب مطلقا سواء كان هناك ناظر محترم أو غيره أم لا و يتفاوت بالنسبة إلى الرجل أو المرأة فيجب عليه ستر العورتين أي القبل من القضيب و البيضتين و حلقة الدبر لا غير و إن كان الأحوط‌ ستر العجان أي ما بين حلقة الدبر إلى أصل القضيب و أحوط من ذلك ستر ما بين السرة و الركبة و الواجب ستر لون البشرة و الأحوط ستر الشبح الذي يرى من خلف الثوب من غير تميز للونه و أما الحجم أي الشكل فلا يجب ستره و أما المرأة فيجب عليها ستر جميع بدنها حتى الرأس و الشعر إلا الوجه المقدار الذي يغسل في الوضوء و إلا اليدين إلى الزندين و القدمين إلى الساقين ظاهرهما و باطنهما و يجب ستر شي‌ء من أطراف هذه المستثنيات من باب المقدمة‌

# کیفیت ستر عورت در رجال

***کیفیت ستر واجب در غیر نماز***

**صاحب عروه فرموده است**: یک ستر صلاتی داریم و یک ستر غیر صلاتی داریم؛ در ستر غیر صلاتی تستّر به هر ساتری کافی است ولو مرد با دست خودش یا دست زوجه اش، قبل خود را ستر کند و دبرش هم با الیتین مستور است و یا با مالیدن گل یا گچ، خودش را ستر کند.

در توضیح کلام صاحب عروه مثال بالاتری می زنیم؛ و آن این که در تاریکی شب حمام برود و با تاریکی شب تستّر کند که همین تستّر به تاریکی شب کافی است. یا رنگ اگر جرم دارد و مثل حنا بدون جرم نباشد مقتضای صناعت این است که کافی باشد؛ رنگی که ساتر است و مثل شیشه نیست که جسم از پشت آن دیده می شود.

### عدم وجوب ستر حجم

و معلوم بودن حجم مشکل ایجاد نمی کند و مهم استتار است. البته انصافاً خلاف ارتکاز متشرعه است که جایز باشد کسی عورت خود را با رنگی که جرم دارد بپوشاند ولی حجم آن پیدا باشد. و بگوید اگر می خواستم غسل کنم می گفتید این رنگ حاجب است و باید برطرف کنید و لذا برای ستر عورت هم کافی است و حاجب قرار دادم. کافی بودن رنگ برای ستر عورت خلاف ارتکاز است ولی اگر بخواهیم به مرّ فقه نگاه کنیم دلیلی بیش از این، بر وجوب ستر نداریم. (فرض این است که رنگ غلیظی می زند که قضیب و بیضتین او با این رنگ پوشیده می شود. البته در مورد گچ و گل خلاف ارتکاز نیست زیرا مقدار زیادی به بدن خود می مالد مثلاً یک کیلو گل به روی عورت خود قرار می دهد که کمتر از لباس نیست.)

**روایتی است که نقل آن جالب نیست ولی چون مرحوم خویی نقل کرده است ما هم نقل می کنیم؛**

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الْمُرَافِقِيِّ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ دَخَلَ حَمَّاماً بِالْمَدِينَةِ- فَأَخْبَرَهُ صَاحِبُ الْحَمَّامِ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ ع كَانَ يَدْخُلُهُ- فَيَبْدَأُ فَيَطْلِي عَانَتَهُ وَ مَا يَلِيهَا- ثُمَّ يَلُفُّ إِزَارَهُ عَلَى أَطْرَافِ إِحْلِيلِهِ- وَ يَدْعُونِي فَأَطْلِي سَائِرَ بَدَنِهِ فَقُلْتُ لَهُ يَوْماً مِنَ الْأَيَّامِ- إِنَّ الَّذِي تَكْرَهُ أَنْ أَرَاهُ قَدْ رَأَيْتُهُ- قَالَ كَلَّا إِنَّ النُّورَةَ سُتْرَةٌ[[1]](#footnote-1)

عبیدالله مرافقی مجهول است. مرحوم خویی این روایت را نقل کرده است و فرموده است: أولاً این روایت ضعیف السند است و ثانیاً شأن امام علیه السلام أجل از انجام این کار است و این کار بسیار بعید است. هر چند از نظر فقهی اشکال ندارد که انسان آن قدر نوره بمالد که عضو تناسلی مستور بشود. لذا اگر این روایت را مرحوم خویی مطرح نمی کرد بهتر بود.

### وجوب ستر عین

**مقداری که ستر آن واجب است این است که:** انسان باید عین عورت را مستور کند و اگر شیشه رنگی هم باشد و از پشت شیشه رنگی عورت او پیدا باشد باز حرام است زیرا لون عورت را مستور کرد ولی عین عورت او مستور نیست این هم حرام است. ولی اگر عین عورت را مستور کند ولی حجم عورت مکشوف باشد دلیلی بر حرمت ندارد مثل این که با لباس تنگی عورت خود را بپوشاند که تمام حجم عورتش دیده می شود که این، ساتر است و لذا فقهاء فرموده اند اشکال ندارد.

### حکم ستر شبح عورت

**صاحب عروه فرموده است**: «الواجب ستر لون البشرة و الأحوط ستر الشبح الذي يرى من خلف الثوب من غير تميز للونه و أما الحجم أي الشكل فلا يجب ستره»؛

نسبت به این که ستر حجم واجب نیست مطلب صحیحی است و نیز نسبت به این که ستر لون بشره واجب است، مطلب صحیحی است ولی چرا در مورد ستر شبه احتیاط کرده است؟! برخی از لباس ها بدن نما هستند و انسان رنگ را تشخیص نمی دهد ولی عرفاً صدق می کند که بدنش دیده می شود مثل شیشه دودی و رنگی می شود که رنگ عورت این مرد از پشت شیشه رنگی دیده نمی شود ولی عرفاً گفته می شود که عورت او دیده شد. و لذا باید فتوا دهید که ستر شبه هم واجب است.

این که «وقتی حجم پیدا است می گویند همه چیز او پیدا است» این تعبیر مسامحه است و به کسی که لباس تنگ می پوشد نمی گویند که بدن تو را دیدیم!

**نکته استطرادی:** مرحوم خویی و آقای زنجانی معقتد اند که ابدای زینت کنایه از ابدای جسد و موضع زینت است و آرایش در صورت به عنوان ابدای صورت حرام نیست بلکه به عنوان دیگری که از فقه و نصوص استفاده شده است که این که زن کاری کند که موجب تهییج نوعی مردان است جایز نیست، از این باب آقای زنجانی آرایش را حرام می دانند و لذا راجع به زنی که با آرایش، ازاله منفرات می کند ایشان حرام نمی داند زیرا خود آرایش را نشان دادن حرام نیست و حرمت آن از آیه استفاده نمی شود و تنها «و لا یخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض» می ماند که از آن استفاده کردیم که کاری که مهیّج نوعی است را نباید انجام دهند و لذا آرایشی که مهیّج نوعی نیست ابدای آن اشکالی ندارد. در آن بحث، ابدای زینت مطرح بود ولی در اینجا بحث ابدای زینت مطرح نمی شود؛ این که مرد به عضو تناسلی خود رنگ بزند و آن را آشکار کند عرفاً ابدای زینت است؟! و بعد اگر ابدای زینت بود بر مرد هم ابدای زینت حرام است؟! این حرف ها در بحث مطرح نیست بلکه بر مرد ستر عورت واجب است و در اینجا «یستر عورته» صادق است.

**مقصود این است که مطلب صاحب عروه که فرمود «الاحوط ستر الشبه اللتی خلف الثوب» به ظاهرش اشکال دارد؛**

**اگر مراد از ستر شبه، این است که**: لباس های بدن نما که تنها رنگ بدن را می پوشاند ولی عرف می گوید بدن از پشت آن دیده می شود لذا ستر شبه واجب است و وجهی برای احتیاط نیست. مثل شیشه رنگی که عرفاً گفته می شود که بدن و عورت او دیده می شود ولو رنگ عورت دیده نشود. و لذا ستر آن واجب است.

**و اگر مراد از شبه سایه باشد بحث دیگری است؛** گاهی عرفاً خود عورت دیده نمی شود و در آفتاب سایه می اندازد مثل این که کسی در پشت دیوار عریان قرار گرفته است و سایه عورت او روی زمین می افتد و نمایان می شود که اینجا جای احتیاط وجود دارد. و مراد از شبه در کلام صاحب عروه، حجم نیست زیرا حجم را جدا مطرح کردند «و أما الحجم فلا یجب ستره»

بحث فعلاً راجع به عورت رجال است و این که زنی لباسی بپوشد که حجم عورت او نزد أجنبی پیدا می شود هر چند ستر عورت صادق است ولی به خاطر جهات دیگر اشکال دارد و بحث دیگری دارد.

**نکته:** عامه گفته اند که اگر با خرقه زنا انجام شود حد ندارد زیرا موضوع «اذا التقی الختانین» محقق نمی شود ولی نگفته اند که این کار حرام نیست. و البته این حرف هم که حد ندارد حرف صحیحی نیست. ولی به هر حال این نکته، ربطی به بحث ما ندارد.

راجع به عدم وجوب ستر حجم تنها ما این نظر را نداریم بلکه مشهور قائل به عدم وجوب شده اند و ما أصلاً مخالفی نسبت به این مطلب پیدا نکردیم.

### عدم وجوب ستر عجان

**صاحب عروه فرموده است**: فيجب عليه ستر العورتين أي القبل من القضيب و البيضتين و حلقة الدبر لا غير و إن كان الأحوط‌ ستر العجان أي ما بين حلقة الدبر إلى أصل القضيب و أحوط من ذلك ستر ما بين السرة و الركبة

ستر عورت که بر مرد واجب است قضیب و بیضتین و حلقة الدبر است أما العجان یعنی ما بین دبر و قضیب احتیاط مستحب است که پوشانده شود.

مرحوم خویی هم فرموده اند که: ستر عجان واجب نیست. البته عادتاً کسی که قبل و دبر را ستر می کند، عجان او هم ستر می شود. (مرحوم خویی فرضی که لباس شخص سوراخ است و تنها عجان پیدا است را توجه نکرده است.) و دلیلی بر وجوب ستر عجان نداریم و در روایات تعبیر قضیب و دبر آمده است و بیضتین هم ملحق شده است و بیش از این دلیل بر حرمت نداریم و اگر در سند یا دلالت اطلاقاتی که عورت را به قبل و دبر معنا می کند تشکیک کنیم نوبت به أصل برائت از وجوب ستر عجان می رسد و جواز کشف ثابت می شود. الیتین مسلّم از عورت و دبر نیست لذا در هنگام آمپول زدن کشف آن و نگاه به آن اشکال ندارد.

و این مطلب مرحوم خویی صحیح است که حداقل مقضای أصل برائت جواز کشف عجان است.

بحث ما در جواز نظر و جواز کشف فی حد ذاته است أما اینکه پوشش به گونه ای باشد که مهیّج شهوت باشد بحث عامی است: گاهی مرد، لباسی می پوشد که موجب تهییج شهوت است ولو خود او هم قصد تهییج شهوت دیگران را ندارد؛ آیا این کار حرام است؟ یا حرام نیست و دیگران که تهییج می شوند نباید نگاه کنند؟

البته اگر به قصد تهییج دیگران باشد حرام است؛ جوانی که به داعی تحریک دیگران لباس آستین کوتاه می پوشد یا لخت می شود خلاف فحوای نهی از منکر است و کار او ترغیب به منکر است و لاأقل از مذاق شارع این را به دست آوردیم که اگر انسان بدنش را به گونه ای عرضه کند که دیگران تحریک شوند، حرام است. بلکه برخی از فقهاء گفته اند که اگر بداند که دیگری تحریک می شود واجب است بپوشاند که به این بحث قبلاً اشاره کردیم و صاحب عروه ستر را، با علم به نظر دیگران از روی شهوت، واجب می دانستند ولی برخی مثل امام قدس سره و مرحوم خویی فرمودند که ما دلیلی بر حرمت این کار نداریم و اعانه بر اثم هم عرفاً بر این کار صدق نمی کند و مثل این می ماند که درس خواندن شما موجب حسودی و تهمت و غیبت به شما می شود و اگر درس نخوانی حساس نمی شوند و حسودی نمی کنند و تهمت و غیبت هم نمی کنند. عرف به این کار اعانه بر اثم نمی گوید و ایجاد زمینه گناه برای دیگران به طور مطلق، اعانه بر اثم نیست مثلاً حضرت یوسف علیه السلام که نزد زنان حاضر شد، عرفاً اعانه بر اثم بود؟!

ما فی حد ذاته بحث می کنیم که ستر غیر صلاتی با این کار محقق می شود یا نه؟ أما این که ستر با گل و گچ آیا موجب تهییج می شود یا نه؟ این ها بحث دیگری است.

قبلاً بیان کردیم که مرحوم خویی وفاقاً للصاحب العروه احتیاط واجب می کند که عورت نساء نسبت به محارمشان بین ناف تا زانو است ولی این که مطلق عورت حتّی عورت رجال، بین ناف تا زانو باشد مطلبی بود که قبلاً از قاضی ابن براج و ابوالصلاح حلبی نقل کردیم و جواب دادیم و تکرار نمی کنیم.

***کیفیت ستر واجب در نماز***

این بحث ها راجع به ستر غیر صلاتی بود. أما راجع به ستر صلاتی صاحب عروه فرموده است که مطلق تستّر کافی نیست و باید تستّر به ثوب باشد و اگر گل به جلو و پشت سر خود بمالد برای نماز کافی نیست. بحث فعلی در تستّر رجال است و تستّر نساء را بعداً بیان می کنیم. مرحوم صاحب عروه مفصل این بحث را در مسأله 16 ذکر کرده است؛

الستر الواجب في نفسه من حيث حرمة النظر يحصل بكل ما يمنع عن النظر‌ و لو كان بيده أو يد زوجته أو أمته كما أنه يكفي ستر الدبر بالأليتين و أما الستر الصلاتي فلا يكفي فيه ذلك و لو حال الاضطرار بل لا يجزي الستر بالطلي بالطين أيضا حال الاختيار نعم يجزي حال الاضطرار على الأقوى و إن كان الأحوط‌ خلافه و أما الستر بالورق و الحشيش فالأقوى جوازه حتى حال الاختيار لكن الأحوط الاقتصار على حال الاضطرار و كذا يجزي مثل القطن و الصوف الغير المنسوجين و إن كان الأولى المنسوج منهما أو من غيرهما مما يكون من الألبسة المتعارفة‌

**صاحب عروه فرموده است که**: ستر با ید خود یا با ید زوجه اش یا با تاریکی، در نماز کافی نیست. و طلی با طین هم در حال اختیار که لباس دارد کافی نیست. ولی اگر مضطر بود طلی با طین کافی است و دیگر نماز او نماز شخص عریان نخواهد بود. ولی ستر با گیاه حتّی در حال اختیار جایز است.

**امام قدس سره فرموده اند:** در حال اضطرار هم گل مالی انسان را از عریان بودن خارج نمی کند. و اگر لباس و گیاهی نباشد که قبل و دبر را بپوشانی و مضطر هستی نماز با گل، نماز عاریاً است یعنی باید برای رکوع و سجود اشاره کنی: اگر ناظری نیست ایستاده نماز می خوانی و با ایماء رکوع و سجود را انجام می دهی و اگر ناظری وجود دارد نشسته نماز می خوانی.

### نظر مرحوم خویی

**مرحوم خویی فرموده اند**: سه مرحله داریم؛

**مرحله أول:** در فرض اختیار، ستر با ثوب کافی نیست و لبس ثوب لازم است لذا کسی که در بیمارستان است اگر پتو روی خود بکشد کافی نیست زیرا عرفاً این بیمار، عریان است و برای صدق لبس ثوب باید پتو را دور خود بپیچد. از روایات استفاده می شود که انسان باید لابس ثوب باشد و این گونه نیست که صرف ستر واجب باشد.

اگر عبا را از پشت سر به روی خود بکشید لبس صدق می کند ولی اگر عبا را روی خود بیندازید لبس صدق نمی کند. و نیز در دشک و لحاف هم لبس صدق نمی کند و دشک را زیر خود و لحاف را روی خود انداخته اید.

**مرحله دوم:** ستر با گیاه یا پنبه بافته شده (که عنوان ثوب بر آن صادق نیست) و نیز ستر با طین، در حال اختیار جایز نیست و عرفاً ستر با حشیش انسان را از عریان بودن خارج نمی کند ولی اگر لباس نداشتید ستر با حشیش یا با طین منشأ می شود که انسان در حال اضطرار، نماز اختیاری یعنی نماز با رکوع و سجود اختیاری بخواند.

**مرحله سوم**: اگر ثوب نداشت و مرحله دوم هم ممکن نبود نوبت به نماز عاریاً می رسد که اگر ناظری نباشد ایستاده نماز می خواند و اگر ناظری باشد نشسته نماز می خواند.

#### أدله مرحوم خویی

**مرحوم خویی فرموده اند:** ما از مجموع روایات می فهمیم که تستّر واجب أولی بر نمازگزار این است که لبس ثوب کند؛

#### روایت أول (صحیحه علی بن جعفر)

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ عُرْيَانٍ وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ- فَأَصَابَ ثَوْباً نِصْفُهُ دَمٌ أَوْ كُلُّهُ دَمٌ يُصَلِّي فِيهِ أَوْ يُصَلِّي عُرْيَاناً قَالَ إِنْ وَجَدَ مَاءً غَسَلَهُ وَ إِنْ لَمْ يَجِدْ مَاءً صَلَّى فِيهِ وَ لَمْ يُصَلِّ عُرْيَاناً.[[2]](#footnote-2)

علی بن جعفر می گوید شخصی عریان بود و در هنگام نماز ثوبی دارد که نجس است. در ثوب نجس نماز بخواند یا عاریاً نماز بخواند؟ امام علیه السلام فرمود اگر آب دارد آن لباس را بشوید و در لباس نماز بخواند و اگر آب ندارد در لباس نجس نماز بخواند.

**مرحوم خویی فرموده است:** این که اگر آب ندارد در همان لباس نجس نماز بخواند مورد تعارض با روایات دیگر است که می گوید در لباس نجس نماز نخواند و عریاناً نماز بخواند لذا این فقره را کنار می گذاریم. و استدلال ما به فقره أول روایت است که اگر آب برای شستن لباس دارد لباس را بشوید و با لباس نماز بخواند.

اگر شرط نبود که نماز در ثوب باشد چرا امام علیه السلام فرمود: «ان وجد ماء غسله»؟ و أصلاً مرتکز سائل این مطلب را نشان می دهد که اگر لباس پاک است باید در لباس طاهر نماز بخواند. و این، نتیجه می دهد که نماز به مطلق ساتر مجزی نیست بلکه ساتر باید ثوب باشد و «صلی فیه» یعنی صلّی مع لبسه هم صدق کند وگرنه مجزی نیست.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج2، ص53، أبواب آداب الحمام، باب18، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/2/53/فاطلی) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج3، ص484، أبواب النجاسات و الأوانی، باب45، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/484/عریانا) [↑](#footnote-ref-2)